

نه گانه ایرانی در آموزهٔ ایرانیان

در مقاله **حکمت؛ تمایزی میان اناگرام و نه گانه ایرانی**، به نقل از دکتر دینانی اشاره شد که موضوع روان (نفس) در دانش روانشناسی در سطح تقلیل یافته ای قرار گرفته و برخلاف دانش نه گانه، خود را از «حکمت» به دور نگه داشته است. ولی روان در انسان از ریشه روندگی، چیزی فراتر از یک رفتار ساده و سطحی است و این روندگی انسان در امید به شناختی است که جستجو می کند. دانش نه گانه ایرانی به مثابه حکمت عملی است و چنین مسیری را دنبال می کند.

در توضیح این موضوع دکتر غلامرضا اعوانی رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران در سخنرانی خود با عنوان «تأملاتی در سیر حکمت، فلسفه در فرهنگ و تمدن ایرانی» در دی ماه ۱۳۹۶، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به مفهوم حکمت و اهمیت آن نزد ایرانیان و صورت های خاص و عام بودن آن پرداخت؛ اینکه در تمدن و فرهنگ ایرانیان، فلسفه به معنای حبّ حکمت است و همیشه با حکمت در ارتباط است. در عالم اسلام به خصوص ایران، حکمت گاهی به معنای خاص یعنی فلسفه و گاهی به معنای عام به کار می رود. هر دو معنا مخصوصاً حکمت به معنای عام در فرهنگ و تمدن بسیار موثر بوده و ایران هم دارای حکمت به معنای عام و هم حکمت به معنای خاص بوده است. اعوانی تصریح کرد: «اکنون دیگر کشورهای اسلامی، حکمت اسلامی ندارند بلکه اصول عقاید را به عنوان فلسفه می خوانند و اگر فلسفه دارند فلسفه به معنای غربی است.

پس حکمت به معنای خاص آن، یکی از بزرگترین دستاوردها و ذخیره های معنوی ایران محسوب می شود». مساله دیگر حکمت به معنای عام کلمه است که به معنای خرد بوده و همیشه در ایران وجود داشته و قبل از اسلام هم بوده است. لذا حکمت در تمامی ابعاد و شئون نه فقط فلسفه به معنای خاص، در تمامی ابعاد فرهنگ و تمدن زندگانی روزمره مردم ایران تأثیر داشته است. دکتر اعوانی با بیان اینکه حکمت به معنای خاص یعنی فلسفه برای خواص است اما حکمت به معنای عام به عنوان سفره ای است که پیر و جوان، عارف و عامی از آن به اندازه طاقت بشری خود بهره مند می شوند. معمولاً این حکمت به معنای عام، عمدتاً با یک دین ارتباط دارد.

در ادیان شرقی وقتی در مورد حکمت و فلسفه صحبت می‌کنیم، اصلاً فرقی بین دین و خرد نیست و ادیان در ذات و حقیقت خویش با خردورزی ارتباط دارند. ایرانیان با خصوصیات ممتاز خود، همواره و همیشه یکتاپرست و موحد و قائل به مبدأ و معاد بودند. خلاصه حکمت در ایران به بیان زرتشت در گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک می‌رسد. همان اصلی که در قرآن وجود دارد، یعنی ایمان، عمل صالح و اعتقاد به آخرت. در زمانی که آیین زرتشت باعث وحدت ملی است، دینداری علت بقای حکمت نزد ایرانیان بوده است.

دکتر لاله بختیار نیز در تأیید این مطلب اظهار می‌کند که حکمت در ایران به پیش از اسلام برمی‌گردد. او نقل می‌کند اگرچه جامعه غرب ریشه‌های نه‌گانه را به افلاطون اطلاق می‌کند، ولی افلاطون از زبان سقراط به فرمانده یونانی آلکیبیادس می‌گوید که چگونه زرتشتیان چهار آموزگار را برای شاهزادگان جوان خود استخدام کردند. این چهار آموزگار وظیفه داشتند چهار فضیلت را در شاهزادگان ایجاد کنند. این چهار فضیلت شامل: عفت، شجاعت، حکمت و عدالت بود.

دکتر ابراهیمی دینانی در همایش اخلاق دانشگاه تهران ۱۳۹۶ این فضیلت‌ها را این‌گونه تعریف می‌کند؛ شجاعت، عفت، حکمت و عدالت. چهار فضیلت اخلاقی که مدار همه اخلاقیات است. بشر چون از فرشته و حیوان ساخته شده غالباً به سمت افراط و تفریط می‌رود و باید در انسان تعادل ایجاد کرد. وی سپس این چهار فضیلت اخلاقی را تعریف کرد و گفت: عفت حد وسط شهوت رانی و ترک تاهل است. اسلام هم می‌گوید النکاح سنتی و از طرفی شهوت رانی را مذموم می‌داند، اما مسئله اینجاست که حد وسط و اعتدال چیست؟

وی صفت شجاعت را این‌گونه تعریف کرد: بعضی انسان‌ها ترسو هستند. بعضی آدم‌ها هم متهور، بی‌باک و کله‌خراب هستند. هر دوی این صفات مذموم است، حد وسط اینها شجاعت است. دکتر دینانی در تعریف حکمت به این نکته اشاره کرد که: کنجکاوی فضولانه موجب رسوایی می‌شود و از طرفی به دنبال دانش نبودن موجب حماقت خواهد شد. در این مسئله هم حد وسط مطلوب است که همان حکمت است. اما عدالت در ردیف سایر فضایل اخلاقی نیست و تشخیص آن نیز به آسانی ممکن نیست.

دکتر مهشید رضوی رضوانی

منابع:

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۶). تهران، دانشگاه تهران.

<http://www.isfahanziba.ir>

اعوانی، غلامرضا (۱۳۹۶). تهران. پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی

<http://www.ana.ir/news/۳۳۴۲۷۱>

بختیار، لاله (۲۰۱۶). شیکاگو، دوره آموزشی نه گانه ایرانی.

ماه شهید
فرد